



عنوان:

تأثیر اشتغال زنان بر خانواده

پژوهشگر:

هاجر جاوید کارپسند

پاییز ۱۴۰۴

در این بررسی فشرده، مباحثی همچون: زنان و اشتغال، برخورد دو گانه با اشتغال زنان، اسلام و اشتغال زنان، زنان و خانه داری، انگیزه های زنان برای اشتغال، زنان در بازار کار، همسران و اشتغال زنان، آثار و عوارض اشتغال زنان، آثار مثبت و منفی اشتغال زنان، تاثیر اشتغال زنان بر تربیت فرزندان، مورد بحث و بررسی قرار می گیرد

مشارکت زنان در امر اشتغال از قدمتی تاریخی برخوردار است. به گفته محققان، زنان از ابتدای شروع تمدن بشری به مشاغل زراعی و کشاورزی روی آورده اند که تاریخ جوامع انسانی، مرهون و قدردان حضور موثر و سازنده آنان است. تلاش زنان در رسیدن به مشاغل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دهه های اخیر، در پی تقاضای یابندگان کار و همچنین نیاز بازار کار، رشدی قابل توجه و چشم گیر داشته است. امروزه در صد زنان شاغل در هر کشوری می تواند به عنوان شاخصی در رشد و توسعه آن کشور محسوب گردد. گذشته، حال و آینده اشتغال زنان به همراه انگیزه ها و آثار این پدیده بر خانواده و جامعه در تمامی نقاط جهان بحثی گسترده را می طلبد

کلید واژه: اشتغال، زنان، خانواده

۱- مقدمه

در کشورهای پیشرفته مرد و زن هر دو کار میکنند ولی کار آنها از بسیاری جهات با یکدیگر متفاوت است نظیر کل ساعات کار، نوع کار میزان پرداخت سن و مشارکت در خانه داری که در تمامی این موارد زنان نقش فعالی دارند.

در خانواده که به واسطه شاغل بودن زنان با آن روبرو هستیم اینکه چگونه زنان میتوانند نقشهای حرفه ای و خانوادگی خود را از هم تفکیک کنند؛ تا چه اندازه مهاجرت شغلی زنان به صورت جمعی برکیان خانواده تأثیر نهاده است؛ اختلافات زن و شوهری و درگیریهای روانی میان آنان و آثار مستقیم آن بر روحیه فرزندان که درصد زیادی از آن در ارتباط با شاغل بودن زنان آن خانواده ها بوده است.

بطور کلی اشتغال زنان متأهل نمی تواند بدون مشکلات خانوادگی باشد ولی اینکه این مشکلات چیست و چگونه میتوان با آن مقابله نمود موضوع اصلی مورد بررسی می باشد.

۲- بیان مسئله

از زمانی که جامعه ایران به سوی آورده های تمدن جدید حرکت کرد دگرگونیهای زیادی به بار آمده که یکی از مهمترین آنها اشتغال زنان میباشد. این پدیده جامعه و مخصوصاً خانواده ایرانی را از جهات بسیاری تحت تأثیر قرار داده است. از جمله اینکه اشتغال شکلی نو گرفت و در تولید و مصرف حدنصابهای تازه وضع گردید. چنانکه سرنوشت زنان تغییری بنیادی یافت.

اشتغال زنان در فعالیتهای اقتصادی خارج از چارچوب خانوار که در طی چند دهه گذشته، بویژه در جوامع شهری اهمیت یافته مسائلی را مطرح کرده است. که به دلیل اهمیت موضوع پژوهشهای متعددی قرار گرفته است. در کشوری مانند ایران گرایش زنان به اشتغال همگام با دسترسی بیشتر آنان به سازمانهای آموزشی مدارس و دانشگاهها در طی مدتی تقریباً کوتاه در اغلب شهرهای بزرگ شدت یافت اما به دلیل اینکه این امر با شتابزدگی در میان برخی از گروهها مطرح گردیده است و در عین حال شرایط اجتماعی - فرهنگی جامعه در خیلی از موارد پویایی متناسب با آن را نداشته است، اشتغال زنان از سویی با مسائل حاد درگیریهای روانی میان زن و شوهر و آثار مستقیم آن بر روحیه فرزندان و تربیت آنان به هم ریختن نظام خانواده مواجه گردیده و از سویی دیگر اختلاف عقیده را در میان توده های مختلف مردم موجب شده است.

زنان به دلایل مختلفی همچون کمک به وضعیت اقتصادی خانواده، داشتن تخصص ویژه یا احساس استقلال در خانواده، شاغل بودن را انتخاب می کنند که در کنار نقش مادری و همسری گاهی آسیب هایی نیز به بطن خانواده وارد می کند.

نقش تربیتی که مادران در خانه دارند غیرقابل انکار می باشد، مادران خانه دار به دلیل زمان طولانی تری که در خانه و نزد فرزندان دارند شیوه تربیتی متفاوت با مادران شاغل دارند.

۳-تاریخچه اشتغال زنان جهان و ایران

۱-۳ تاریخچه اشتغال زنان در جهان

انسان به طور طبیعی گرایش به رشد و تکامل دارد و اصلی ترین تفاوت او با دیگر موجودات داشتن قدرت تفکر و خلاقیت است. با توجه به قدرت تفکر انسان از او انتظار می رود روشهایی نوین و شیوه هایی جدید را در زندگی و محیط مادی به وجود آورد. در نتیجه پویایی خلاقیت و حرکت به سوی کمال در فطرت انسان نهاده شده است.

از انسان متفکر به طور طبیعی انتظار رشد و تکامل می رود و اگر شاهد ایستایی در برهه ای از تاریخ بشریت هستیم و ناظر این هستیم که جوامعی با وجود تحولات هنوز در روند توسعه قرار نگرفته اند باید به دنبال موانع و مشکلات موجود در حل این مسأله باشیم و در نتیجه ۱۶ راههای رسیدن به توسعه

و تحول صنعتی را فراهم آوریم و همواره باید در نظر داشته باشیم که انسان محور اصلی توسعه و تحول می باشد.

پدیده اشتغال از ابتدای زندگی اجتماعی بشر مورد توجه بوده است. جامعه شناسان و روان شناسان اجتماعی از بعد تخصصی به این پدیده نگریسته اند و افزایش کمی و کیفی کار همواره یکی از موضوعات مورد مطالعه آنها بوده است. از آن جمله مطالعات تیلور (Taylor) و ژیلبرت (F.G) را میتوان ذکر کرد در آن دوران بورژوازی عصر طلایی خود را میگذراند و سرمایه محور حاکم در جامعه بشری بود فقدان سندیکاهای کارگری، استثمار، بهره کشی و بالاخره ارتش موجب گسترش بیکاری شده بود. هدف رهبران مسلط در تولید بهره برداری هر چه بیشتر به هر قیمت حتی با قبول، پیری زودرس کارگران بود تا اینکه شرایط تغییر یافت افرادی نظیر پرودن (Proudhon) و مارکس (Marx) خودبیگانگی را مطرح ساختند. از نظر آنها کار جزئی از وجود آدمی شناخته می شد. و تنها هدف از کار کردن تأمین روزی و تلاش نبود، بلکه ارضای روانی حاصل از احساس مفید بودن و احساس خلاقیت با دیدن حاصل کار خویشتن مورد توجه قرار میگرفت. از جانب دیگر به منظور نشان دادن ابعاد کیفی کار و پیوندهای ذهنی انسان و کارش مایو (Mayo) زمینه روان شناسی کار را مورد بررسی قرار داد مطالعات او نشان داد که استراحت در بین ساعات کار تأمین نیازهای بهداشتی، توجه به فراغت سالم نیروی کار تصحیح روابط کارگر و کارگر؛ کارگر و کارفرما و بهبود شرایط محیطی کار همگی شبکه ای از عوامل مؤثر بر کار را می سازد.

جامعه شناسانی چون امیل دورکیم و پارتو نیز مطالعاتی بر روی کار انجام داده اند ولی هیچکدام نتوانسته اند درباره موارد مهمی چون مناسبات بین گروههای جنسی و نژادی اهمیت روابط بین محدوده فعالیتها در محل کار و در خانه و نقشی که نیروهای اجتماعی در تشکیلات تکنولوژی دارند بحث کنند.

در بخش عظیمی از جامعه شناختی دست کم تا همین اواخر کار بدون دستمزد یعنی کار انجام یافته بدون پرداخت مستقیم و خارج از محدوده یک شغل خاص هرگز مورد مطالعه و ملاحظه قرار نگرفته است. بحث مارکس درباره نیروی کار خود بیگانه بطور کلی بر کارگران بنگاههای اقتصادی متمرکز است و اغلب مباحث جامعه شناسی صنعتی نیز از آن تبعیت کرده است. با این وجود، کار بی مزد به ویژه کار زنان در محیط خانه، بطور عمده نادیده انگاشته میشد ولی چنین کاری برای اقتصاد به اندازه اشتغال فردی ضرورت دارد؛ بطور تخمینی کار در خانه معادل یک سوم مجموع تولید سالانه یک اقتصاد مدرن ارزش دارد.

با آنکه زنان نقش مهمی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی دارند ولی کمتر از آنان سخن به میان می آورند. تنها زمانی که از مشاغل ثانوی تخصص کمتر دستمزد پایین و آینده نامعلوم صحبت می شود،

وجود زنان مطرح می گردد. امروزه اهمیت اشتغال و نیروی انسانی ماهر و متخصص معلوم است و توجه به مسأله اشتغال زنان این نیروی عظیم و نیز بررسی جامعه شناختی آن بسیار مهم است. در جوامع در حال توسعه نقش زنان در برنامه های ملی و بین المللی و در رابطه با نحوه برخورد با مقاطع بحران اقتصادی و توسعه سرمایه گذاری نادیده گرفته شده است. بنابراین میتوانند در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی سهمیه بگیرند و با کسب آموزش در جهات مختلف از جمله حرفه در بالا بردن سطح تولید و بهره وری بیشتر از نظر اقتصادی و رشد و توسعه کشور سهمیه بگیرند. از سال ۱۹۷۰ نقش زنان در نیروی کار افزایش یافته است و تقریباً در همه جا زنان بیشتر در خارج از خانه کار می کنند. تجزیه و تفکیک شغل و تفاوت دستمزد تقریباً در همه جا بر شکاف بین آنچه که زنان تولید میکنند و آنچه که بدست میآورند تأکید می کند. آنها همچنین به پول و آموزش دسترسی کمتری دارند.

کار زنان کم ارزش تلقی شده یا در بسیاری از موارد ثبت نمی شود. زنان فعالیتهای مختلفی در خانه و خارج از خانه دارند. چنانچه کار را در معنای معمولی هر نوع اشتغال که پاداش مالی بر آن مترتب باشد، بدانیم. بسیاری از فعالیتهای زنان در این مقوله نمی گنجد زیرا پاداش مالی ندارد. لذا با توجه به این که زنان بخش عظیمی از فعالیتهای داخل خانه را انجام میدهند در صورتی که این کارها با ملاکهای اقتصادی سنجیده می شد، هزینه بالائی را برای خانواده به وجود میآورد ولی به هر حال امروزه این فعالیتهای جزء کار و اشتغال به معنای معمول آن نیستند.

فعالیت زنان در روستاها بطور معمول همیشه انجام شده است. در شهرهای قدیمی زنان علاوه بر کارهای مربوط به خانه به مشاغلی چون خیاطی آرایشگری مامایی، قابلبافی... می پرداختند. بعد از انقلاب صنعتی و ایجاد کارخانه ها و کارگاههای مختلف سرمایه داران به دنبال نیروی کار ارزان بودند و زنان بهترین این نیروها به حساب می آمدند، کم کم زنان به دستمزد نا عادلانه و کار زیاد خود معترض شدند و اتحادیه هایی را تشکیل دادند تا در برابر شرایط نابرابر کار و تبعیضات موجود مبارزه کنند. نمونه آن نهضتی است که در نیمه اول قرن نوزدهم پا گرفت که هدف آن برابری زن و مرد در مورد امکانات اشتغال و دستمزد و دفاع از حقوق زنان در دیگر زمینه ها بود.

بسیاری از نقاط اروپا در اواخر قرن نوزدهم شاهد رشد خواستههای زنان برای به دست آوردن حقوق قانونی بود. تمایل رادیکالی زنان در آلمان، پایان دهه ۱۸۸۰ همچون قتلاند شکل گرفت در بریتانیا این جنبش کمی زودتر انجام شد و در فرانسه نیز از نیمه قرن نوزدهم شروع به گسترش کرد و در روسیه تا پایان این قرن هیچگونه موفقیتی برای جنبش زنان در عرصه قوانین عمومی حاصل نشد.

رابطه دو سویه زنان با کارخانه، یعنی تلاش برای حفظ خانه و بزرگ کردن بچه ها قبل از صنعتی شدن در زمانی که خانه یک واحد تولیدی بود اهمیت چندانی نداشت؛ بخشی از زنان متأهل و در عمل تمامی

اجتماع‌اند و برخی دارای منشأ فردی و بین این دو همبستگی وجود دارد. خود عوامل فردی نیز، در هر زمانی، تحت تاثیر فضای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی قرار دارد. مثلاً در دوره‌های بحران اقتصادی، حضور زنان شوهردار در عرصه رقابت برای کسب مشاغل با استقبال چندانی روبه‌رو نمی‌شود.

یکی از عوامل اجتماعی که در آمادگی زنان برای اشتغال در خارج از خانه مؤثر است افزایش اوقات فراغتی است که بر اثر پیشرفت فناوری پدید آمده است. ابزار و وسایل مدرن خانگی میزان خستگی ناشی از وظایف روزمره در خانه و همچنین مدت زمانی را که برای اجرای این وظایف لازم است کاهش می‌دهد. البته، نگرش زن نسبت به پذیرش شغل، تحت تأثیر زمینه تحصیلی و طبقاتی هم قرار دارد.

در مورد زنان شوهرداری که از سطح تحصیلی یا مهارت‌های شغلی بالایی برخوردارند، احتمال بیشتری وجود دارد که پس از ازدواج نیز کار کنند و موقعیت تحصیلی و شغلی خود را ارتقاء بخشند. در میان زنان شوهردار، معلمان و پزشکان، بیشترین سهم را از حیث اشتغال دارند و علاقه درونی آنها نسبت به شغلشان محسوس است. در جوامع مدرن، استقلال مالی زن منزلت او را بطور روزافزونی ارتقاء می‌دهد. معمولاً هنگامی احترام می‌بینند که، از نظر اقتصادی، مستقل و مفید و کارآمد باشند. عوامل فردی، جدای از فشارهای اجتماعی که بر تمایل زنان شوهردار به پذیرش شغل تاثیر می‌گذارد، شامل دسترسی به خدمات مهدکودکی است. تصمیم زن برای کار در خارج از خانه، بطور قابل ملاحظه‌ای، تحت تأثیر فراهم بودن وسیله نگهداری و مراقبت از فرزندان است. تغییر الگوی سکونت موجب محدودیت دسترسی به مادر بزرگ‌هایی شده است که برانگیزه عواطف شخصی، آماده‌اند مراقبت از نوه خردسال خود را بر عهده گیرند. اما امروزه، مادر بزرگ‌های کم‌سن‌تر غالباً خودشان شاغل‌اند و یا احتمالاً فاصله مکانی زیاد برای برخورداری از کمک ایشان مشکل ایجاد می‌کند. با این همه، فشارهای شدید اقتصادی در جذب زنان شوهردار به بازار اشتغال، بدون در نظر گرفتن سن فرزندان، نقش اساسی ایفا می‌کند. انگیزه مادی، در همه سطوح اجتماعی، در کسب اشتغال نقش دارد. و با رشد فرزندان و بهبود وضع مادی شوهر، عواملی دیگر در بیش از پیش، در اشتغال زنان متأهل دخیل می‌گردند.

عواملی چون تمایل به کسب مسئولیت اجتماعی که در زنان تحصیلکرده بیش از کسب درآمد مؤثر نشان داده شده است، ملال‌آور بودن کارهای روزمره خانه، علاقه کسانی که از مهارت‌های خاصی برخوردارند به استفاده از آنها. اما، همه این انگیزه‌ها غالباً در مقایسه با انگیزه مادی، جنبه فرعی دارد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر در اشتغال زنان، تغییر نگرش مردان نسبت به اشتغال زنان است. پذیرش و تشویق همسری که دارای روحیه همکاری با زن شاغل خود است در هم‌آهنگ ساختن کارخانه و شغل

بیرون از خانه زن تأثیر بسزایی دارد. در عوض، بی‌علاقگی و همکاری نداشتن شوهر، یکی از قوی‌ترین عوامل بازدارنده اشتغال زن در هر سطح اجتماعی است. (Farmmer 1973. p61-66)

محققانی چون گولر [۱] و لیگ [۲] برای اشتغال زنان شوهردار در خارج از خانه، پنج دلیل عمده ذکر کرده‌اند. اولین دلیل ساده آن نیاز مالی است. بسیاری از خانواده‌ها، بدون درآمد اضافی که زن به خانه می‌آورد قادر به تأمین معیشت نیستند. خانواده‌هایی دیگر با استفاده از این درآمد اضافی، می‌توانند از امکانات رفاهی بیشتری برخوردار شوند. دومین عامل، برخورداری زن شاغل از روابط اجتماعی وسیع‌تر و متنوع‌تر است، چون از طریق اشتغال، طیف وسیع‌تری از روابط دوستانه، در مقایسه با دامنه ارتباط زنان خانه‌دار ایجاد می‌شود. بسیاری از زنان از اشتغال به این دلیل استقبال می‌کنند که عرصه دوستی و مصاحبت را وسعت می‌بخشد. این عامل به سومین انگیزه یعنی نیاز به رهایی از تنهایی و یکنواختی کارخانه مربوط می‌شود.

گاورون [۳]، با بررسی وضع ۹۶ نفر از مادران در شمال لندن، به این نتیجه رسید که بسیاری از زنان این احساس را پیدا کرده‌اند که، پیش از ازدواج، به خصوص با تولد فرزندان آزادی خود را از دست داده‌اند و اشتغال را، علاوه بر وسیله کسب درآمد بیشتر برای خانواده، یکی از راههای ایجاد برقراری روابط اجتماعی شمرده‌اند.

گولر و لیگ علاوه بر این، اشتغال را یکی از راههایی می‌دانند که به زنان امکان می‌دهد هویت شخصی خود را با ایفای نقش‌های ورای همسری و مادری پرورش دهند. زن، ضمن برقراری ارتباط با همکاران خود، بر اساس شخصیت و مهارت‌های خویش، از نظر هویتی شئون دیگری کسب می‌کند که مکمل هویت خانوادگی اوست. سرانجام، بسیاری از زنان به اشتغال رو می‌آورند تا مهارتی را به کار ببندند که برای آنها مهم بنظر می‌رسد. از آنجا که ساعات کار مهد کودک‌ها و مدارس ابتدایی با کار تمام وقت مادران متناسب نیست و اداره کودک در تعطیلی مدارس همواره، در هر سطح اجتماعی، موجب نگرانی است، عجب نیست که همه مادران، کار نیمه‌وقت را ترجیح دهند. اما مشاغل نیمه‌وقت اندک است، بویژه برای کسانی که ساعات کار مقرر دارند مانند معلمی. یکی دیگر از دلایل علاقه زنان شوهردار و دارای فرزند به مشاغل نیمه‌وقت اینست که بتوانند، در ساعات فراغت، کم و بیش به خرید و رسیدگی به امر منزل پردازند. به ندرت اتفاق می‌افتد که مادران نیازهای شغلی خود را بر نیاز فرزند بیمار شدن مقدم بدانند و این یکی از دلایل تغییر شغلی پیاپی مادران و بی‌نظمی آنان در کار است.

اما زنان مسن که فرزندان شان خانه را ترک کرده اند یا در سنین خودکفای اند، نشان داده اند که کارمندان کارآمد، صادق و پابرجا تری هستند و این واقعیت هم در بخش صنعت و هم در سایر بخش ها مشاهده شده است. (Farmer 1973.p67)

۹-پیشنهاد

نقش زن در خانه حول سه محور همسر داری فرزند داری و خانه داری می گردد که هر کدام یک مدیریت بود؛ پس است. مدیریت همسر مدیریت فرزند و مدیریت خانه یک مدیر هم بدون هدف برنامه ریزی و نظم موفق نخواهد کار یک مدیر سازماندهی به امور است که صرفاً حضور فیزیکی را نمی طلبد و اگر زندگی بر سه اصل مشارکت برنامه ریزی نظم و ساده زیستی متکی باشد هدفها قابل دسترس خواهند بود.

مشارکت در امور خانه تشویق به فعالیتهای اجتماعی همفکری در امور اجتماعی و تأیید همسر رضایت قلبی و اطمینان خاطری در زن ایجاد میکند که بازدهی کار را افزایش میدهد و بر موفقیت های اجتماعی او می افزاید. این مسأله دقیقاً دو روی یک سکه است و عکس آن هم ممکن است. وقتی زن و مرد از همدیگر حمایت کنند گرچه این حمایت در چارچوب خانه تعریف می شود ولی آثار و برکاتش در بالا بردن راندمان کار هویدا می گردد.

قطعاً بچه ها به حضور مادر نیاز دارند، بچه ای که به خانه می آید و مادر در را به رویش می گشاید با بچه ای که کلید به گردنش انداخته میشود تا به خانه برود و منتظر بماند از نظر عاطفی کاملاً تفاوت دارند. ولی نمی توان گفت که اشتغال زنان بر روابط عاطفی خانوادگی اثر کاملاً سوء دارد. این تأثیر بستگی به نگرش اعضاء خانواده دارد. اگر در خانواده ای مرد معتقد باشد که مدیریت کامل خانه بر عهده زن است و از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند در فضایی مگر میشود راجع به روابط عاطفی صحبت کرد؟ اگر به زن به عنوان یک موجود توانمند که جامعه به تواناییهایش نیاز دارد بنگریم و در زندگی مشترک واقعاً به عنوان شریک به او نگریسته شود بنابراین چرخه زندگی به راحتی می چرخد و زن هم بعنوان فردی که حقوقش رعایت میشود در صدد تضييع حقوق دیگران نخواهد بود. در چنین محیطی که بر اساس روابط انسانی شکل می گیرد رفتارهای عاطفی به وجود می آید که در آن شد صورت خانه این قبیل زنان خانه هایی آراسته از نظر ظاهر و باطن است. زن ایرانی به بنیان خانواده اهمیت میدهد و حفظ خانواده برایش از واجبات است.

برای کاهش بار مضاعفی که بر زن وارد میشود راه حلهای مختلفی وجود دارد.

بخشی از آن مربوط به قوانین و مقررات حاکم بر نظام اداری و شغلی است در نظام اداری و بحثهای فرهنگی زن مادر است و نقش محوری در خانواده دارد اما تدوین مقررات و قوانین به گونه ای است که تسهیلات و امکاناتی در اختیار زنان شاغل قرار نمیدهد تا بتوانند نقشهای متعدد خود را به خوبی ایفا کنند. بنابراین اگر بخواهیم خانواده استحکام خودش را حفظ کند و زن نقش مادری همری خانه داری و اشتغال را به نحو مطلوب به انجام برساند باید قوانین و مقررات و بطور کلی نظام شغلی جامعه متحول شود.

بخش دیگر به مسائل فرهنگی و نگرش جامعه مربوط می شود که هنوز امر مشارکت در انجام امور خانه ضعیف است. در جامعه هیچ تبلیغی صورت نگرفته است که اعضای خانواده در قبال خانه خود احساس مسؤولیت کنند. هنوز وقتی مادر به خانه وارد میشود انگار وظیفه قطعی اوست که نظافت خرید رسیدگی به امور بچه ها و را بر عهده گیرد و به همین دلیل طبق آمار به دست آمده در جامعه ایرانی ما عمر مفید زنان شاغل کمتر از مردان است.

بخش سوم هم به کم کاری زنان جامعه در امر تربیت بر می گردد. اگر مدیریت زنان در داخل خانه بر تربیت فرزندان و اصل مشارکت استوار شود حداقل نسل آینده به گونه ای تربیت میشود که اداره منزل و انجام امور شخصی خودش را از دیگری نخواهد هیچ قانونی نمیگوید که یک نفر کارهای یک جمع را انجام بدهد. اگر عاطفه زن اجازه بدهد تا با آموزش نکات تربیتی، بچه ها کمی منظم برنامه ریز و مستقل بار بیایند از فشار کار خانگی کاسته می شود و مطمئناً بر نشاط و شادایی خانواده افزوده خواهد

- ۱- بهنام جمشید ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران علوم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶، ص ۱۳ سگاه
- ۲- جاراللهی، عذرا فصلنامه علوم اجتماعی ش ۳ و ۴، ۱۳۶۴، ص ۲۵۰
- ۳- کهنمویی فاطمه اثرات اشتغال زنان بر خانواده پایان نامه دوره کارشناسی ارشد مدرسه عالی شمیران ۱۳۵۷
- ۴- سفیری خدیجه جامعه شناسی اشتغال زنان تهران مؤسسه انتشاراتی تبیان ۱۳۷۷
- ۵- ساروخانی باقر مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده تهران انتشارات سروش ۱۳۷۵
- ۶- همایون تکمیل ناصر بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران فرهنگ و زندگی ش ۱۹ و ۲۰ زمستان ۱۳۵۶، ص ۲۰ - ۲۲
- ۷- مادران شاغل، جام جم، شماره ۸۹۷
- ۸- حضور زنان کارمند، روزنامه همشهری، شماره ۳۲